

مقاله

کتاب دانیال



• هادی صادقی

مطالب تا چه اندازه قابل اعتنا و اعتبار است. بنابراین هدف این نوشتار، معرفی و بررسی یکی از مصادری است که کتاب‌های متأخر مطالب زیادی به خصوص در موضوع فتن و ملاحم از آن نقل کرده‌اند. به این مناسبت اشاراتی نیز به کتاب الملاحم ابن المنادی خواهیم داشت زیرا در آن مطالب زیادی از کتاب دانیال نقل شده است. آنچه در اینجا مورد نظر است نگاه به این کتاب با توجه به نقل پیش‌گویی‌ها یا ملاحم است.

واژه ملاحم (جمع ملحمه) ممکن است از دو ریشه گرفته شود (گرچه برگشت آن دو نیز به یک اصل است): یکی چسبندگی و دوم گوشت. اگر از ریشه اول گرفته شود، به معنای سختی نبرد است که در آن جنگجویان با یکدیگر گلاویز می‌شوند. اما در ریشه دوم به معنای قتلگاه آمده است، کنایه از اینکه گوشت بدن انسان‌ها در آن می‌ریزد. در هر صورت مراد از ملحمه در روایات اسلامی، حوادث و جنگ‌های خونین است که در آینده رخ می‌دهد.

دانیال نبی

تمامی کسانی که از کتاب دانیال نقل کرده‌اند آن را منسوب به دانیال نبی می‌دانند. بنابراین، تشابه اسمی یا انتساب به شخصی همنام آن پیامبر در میان نیست. از این رو نگاهی بسیار مختصر به زندگی صاحب کتاب می‌اندازیم.^۱

حضرت دانیال (ع)،^۲ از پیامبران بنی اسرائیل به شمار می‌رود که در قرن ششم پیش از میلاد می‌زیسته است. بنا به روایت کتاب مقدس و منابع تاریخی، نبوکدنصر (بختنصر) پادشاه بابل عده زیادی از مردم مصر و فلسطین را به اسارت آورد که از جمله آنان دانیال بود.^۳ او خواب‌های پادشاه را تعبیر کرد و نزد او مقام یافت. پس دشمنان بر او حسد برده و دربارش سخن چینی کردند و بدین سبب دانیال گرفتار زندان شد. حتی پادشاه درندگانی را به چاه یا گودالی که در آن زندانی بود فرستاد اما آن درندگان به دانیال آسیبی نرساندند.^۴ شیخ صدوق روایت می‌کند که

مقدمه

آنچه با عنوان «کتاب دانیال» شناخته شده و شهرت دارد بخشی از عهد عتیق است. اما در منابع اسلامی گاه از کتابی سخن گفته می‌شود که به علوم غریبه مانند رمل و نجوم و پیش‌گویی‌هایی درباره آینده مربوط می‌شود و این مطالب غیر از آن است که در تورات وجود دارد. هرچند نمی‌توان ارتباط آن دو را با هم انکار کرد؛ زیرا آنچه در منابع اسلامی نیز آمده در آینده جهان و نشانه‌هایی از آخرالزمان است که در بخش آخر کتاب دانیال عهد قدیم به آن اشاراتی شده است.

این مقاله در صدد بررسی کتاب دانیالی است که منابع اسلامی از آن نام برده و مطالبی از آن نقل می‌کنند. مقاله در صدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست: این کتاب از آن کیست و چه پیشینه‌ای دارد؛ چه کسانی از آن نقل کرده‌اند و چه مطالبی از آن روایت شده است؛ این



از دنیا رفت. گفتم از کجا می‌دانی؟ گفت در کتاب دانیال می‌نگریستم دیدم کسی که اوصاف پیامبر شما را دارد در این زمان از دنیا می‌رود جریر می‌گوید وقتی به مدینه بازگشتم مطلب را درست یافتم. به این ترتیب اگر گزارش کشف جسد دانیال و کتاب او را در عهد خلیفه دوم بپذیریم، خواهیم گفت آنچه در کنار جسد یافت شده، نسخه‌ای از کتاب دانیال بوده و این بدان معنا نیست که کتاب، پیش از آن در دسترس نبوده است. ابن طاووس تصریح کرده که یهودیان آن را در اختیار داشته‌اند.^{۱۱} او همچنین می‌گوید نسخه‌ای از کتاب دانیال را یافته، اما بیان نمی‌کند که آن را از کجا و با چه مدرک و سندی به دست آورده و راویان آن چه کسانی هستند؟ بنابراین روشن نیست اصل این کتاب از کجا آمده است. اینکه آن را همان جزئی که در کتاب مقدس آمده بدانیم نیز درست نیست؛ زیرا مطالبی که از آن نقل می‌شود با آنچه در کتاب مقدس آمده متفاوت است.

منابع اسلامی و نقل از این کتاب

علاوه بر جایگاهی که این کتاب نزد یهود و مسیحیت دارد و چنانکه گفته شده، مسیحیان نشانه‌هایی برای تولد حضرت عیسی (ع) از آن کتاب در دست داشته‌اند؛^{۱۱} در منابع اسلامی نیز مطالبی به کتاب دانیال نسبت داده می‌شود که روایات آن قابل بررسی است. البته اصل این آگاهی‌ها نیز به منابع غیراسلامی بازمی‌گردد. گفته شده شخصی در زمان خلیفه دوم از کتاب دانیال مطالبی بیان می‌کرد که چون به گوش خلیفه رسید او را منع کرد و با اشاره به آیه «حسن القصص»^{۱۲} در قرآن گفت: آیا داستانی بهتر از آنچه قرآن می‌گوید یافت می‌شود؟^{۱۳} طبری هنگامی که خبر استمداد عمرو بن سعید والی اموی مدینه از عبدالله بن عمرو بن عاص را در موضوع ابن زبیر نقل می‌کند، می‌نویسد: عبدالله مدتی که در مصر بوده از کتاب‌های دانیال آگاهی پیدا کرده بود و به همین دلیل قریش او را عالم می‌شمرد.^{۱۴} اطلاع ولید بن یزید خلیفه اموی از سلطنت آینده بنی عباس به وسیله کتاب دانیال نمونه دیگری از این مطلب است.^{۱۵} در برخی کتب شیعه روایتی طولانی از امام صادق (ع) وجود دارد که امام به نقل از کتاب دانیال، احکام نجومی روزهایی از ماه محرم را بیان می‌کند.^{۱۶} مهم‌ترین اخباری که از کتاب دانیال نقل می‌شود درباره احوال آخرالزمان یا حکومت مهدی (ع) است.^{۱۷} در این میان کهن‌ترین منبعی که بیشترین مطالب را درباره کتاب دانیال دربردارد کتاب ملاحم ابن منادی است.

ابوالحسن احمد بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن ابی داود بغدادی معروف به ابن المنادی (۲۵۶-۳۳۶) از محدثان مشهور اهل

این پیامبر ۹۰ سال در دست نبوکد نصر اسیر بود و چون نبوکد نصر در رویا دید که از سوی آسمان فرشتگانی به زمین می‌آیند و در چاهی که دانیال زندانی است می‌روند، از کرده خویش پشیمان شد و او را آزاد کرد و ضمن عنذخواهی، امر قضاوت را به او سپرد.^{۱۵}

پس از اسلام و هنگام فتح ایران که ابوموسی اشعری از منطقه شوش گذر می‌کرد به جسدی دست یافت که وقتی از آن سؤال کرد گفتند دانیال نبی است که هر گاه قحطی شود اهل بابل به آن توسل می‌جویند تا باران ببارد. ابوموسی خبر کشف این جسد را به خلیفه وقت نوشت و عمر دستور داد آن را کفن و دفن کنند.^{۱۶} به گزارش ابن اعثم، خلیفه از صحابه استمداد کرد و امیرالمؤمنین علی (ع) تنها کسی بود که از دانیال آگاهی داشت و عمر را در این موضوع راهنمایی کرد و همچنین فرمود آب نهر را بر قبر او جریان دهند تا دشمنانش به قبر دست نیابند.^{۱۷}

منشأ کتاب

منابع اسلامی از منبع و مصدر کتاب دانیال نام نبرده‌اند. گفته می‌شود کتاب دانیال همراه با جسد او در شوش پیدا شده است. مطرف بن مالک قشیری گوید: همراه ابوموسی اشعری در فتح شوشتر حضور داشتیم، وقتی جسد دانیال را یافتیم بسته‌هایی هم در کنار آن بود که در یکی از آنها کتاب دانیال وجود داشت و آن را به شخصی مسیحی فروختیم.^{۱۸} همچنین به نقل از مطرف بن عبدالله گزارش شده که در سفری که به بیت المقدس رفته بودیم کعب‌الاحبار را دیدیم که در میان جمعی ایستاده و بزرگ یهودیان درباره علت اسلام آوردنش از او سؤال می‌کند. کعب از ما خواست پاسخ او را بدهیم. شخصی از میان جمع ما که بهترین ما به شمار می‌رفت، کتابی را به گروه ارائه کرد که آنان را تحت تأثیر قرار داد و باعث اسلام آوردنش شد. او گفت این کتاب دانیال است که در روز فتح شوش به ۲۰ درهم خریده است.

این دو خبر ممکن است این تصور را ایجاد کند که کتاب دانیال اولین بار در زمان کشف جسد او یعنی حدود سال ۲۱ هجری پیدا شده است. اما روایاتی هست که نشان می‌دهد کتاب دانیال پیش از آن هم شهرت داشته و افرادی آن را در اختیار داشته‌اند. براساس برخی اخبار شیعی، ابوبکر و عمر با اطلاع از این کتاب دریافته‌اند که حکومت پیامبر اسلام جاودانی خواهد شد از این رو به او پیوستند تا جانشین او شوند.^{۱۹} در خیر دیگری به نقل از جریر بن عبدالله بجلی آمده است: رسول خدا مرا نزد ذوالکلاع فرستاد. هنگام برگشت از مأموریتم به راهی برخورد کردم و از رسول الله با او سخن گفتم. وی گفت: پیامبر شما هم اکنون

خورشید و ماه آورده و نوشته است: ابن عباس از گفته کعب خشمگین شد و سه مرتبه گفت: «کعب دروغ گفته است... این مطلب از یهودیان است که او می‌خواهد در اسلام وارد کند»^{۲۴}

در بخش دیگری که ابن منادی، مؤلف حنبلی «الملاحم» از کتاب دانیال آورده است با اشاره به خلافت معتمد عباسی و حاکمان پس از او به تفصیل درباره ظهور سفیانی - که نامش را عنبسه بن هند دانسته - و مقابله او با حسنی سخن گفته شده است. مطالبی که در اینجا درباره سفیانی و حسنی بیان شده، در روایات شیعه و حتی در منابع عامه به ندرت یافته می‌شود یا اصلاً وجود ندارد. سید ابن طاووس هم بنا به شیوه معمول خود به خصوص در کتاب ملاحم (التشریف بالمنن) که از منابع عامه فراوان نقل می‌کند، مطالبی از کتاب دانیال گزارش کرده است. در کتاب عقدالدرر نیز که مؤلف آن (سلمی شافعی) تقریباً معاصر سید است مطالبی منسوب به ابن کتاب وجود دارد.

محتوای کتاب دانیال

مطالبی که به کتاب دانیال نسبت داده می‌شود یکسان نیست و آشفتگی فراوان دارد. مثلاً آنچه در نسخه موجود ملحمه دانیال وجود دارد هیچ شباهتی به آنچه ابن منادی در کتابش نقل کرده، ندارد. مرحوم آقابزرگ هم به اختلاف متون کتب دانیال و نسخه‌های آن اشاره کرده است. به هر حال آنچه امروزه شهرت دارد و مکرر چاپ شده، کتاب تعبیر خواب دانیال است که همراه تعبیرهای ابن سیرین و گاه تعبیرهای منسوب به امام ششم منتشر می‌شود.

اما آنچه با عنوان ملاحم دانیال امروزه در برخی کتابخانه‌های معتبر می‌توان یافت (تا آنجا که نگارنده جست‌وجو کرده) دو نسخه زیر است: ۱. ملحمه دانیال جزوهای کوچک است که چند دهه قبل در چاپخانه حیدریه نجف اشرف به صورت سنگی منتشر شده و روی آن چنین نوشته است: «ملحمه دانیال المنسوبة الی دانیال النبی علیه السلام» این نسخه مشخصه دیگری ندارد و در آن نامی از مؤلف یا تنظیم کننده نیست. در ابتدای این کتاب آمده است که «دانیال، این مطالب را از کتاب‌هایی که آدم علیه السلام در غار به ودیعه نهاده بود نقل کرده است. این کتاب در صندوقی بوده که قفل آن سالی یک بار در روز عاشورا باز می‌شده است.» مطالب این نسخه درباره ماههای سال و پیشگویی‌های نجومی است. اینکه اگر فلان ماه چه خصوصیتی داشته باشد چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. مثلاً در صفحه پنجم می‌خوانیم «قال دانیال ان دخلت السنة يوم الاحد كان مولدها الاسد...» و در صفحه بیست و دوم: «قال دانیال ان ولدت السنة بالمیزان الزهرة لها من النواحي القبلة و اکثر بلاد الغرب

سنت به شمار می‌رود. پدربزرگ وی ابو جعفر محمد بن عبیدالله نیز با همین شهرت (ابن منادی) از رجال مشهور حدیث است. سمعانی گوید: «منادی» نسبت کسی است که اشیا را برای فروختن یا پیدا شدن صاحبش جار می‌زند.^{۱۸} خطیب بغدادی، ابن منادی را با اوصافی چون ثقه، امین، راستگو، ثبت و پرهیزکار ستوده و گروهی از استادان حدیثی وی را نام برده است که از آن جمله می‌توان به پدربزرگش محمد و ابوداود سجستانی صاحب سنن اشاره کرد. وی ضمن نقل داستانی درباره توجه جدی ابن منادی به صداقت راوی، اضافه می‌کند که او در امور دینی خشک و سخت‌گیر بود و اخلاق تندی داشت که به همین جهت روایات زیادی از او باقی نمانده است.^{۱۹} با این همه در منابع رجالی اهل سنت از او با عظمت یاد شده^{۲۰} و در کتب روایی آنان به احادیث فراوانی از او برخورد می‌کنیم. در کتب رجالی شیعه از ابن منادی یاد نشده و توثیق یا تضعیفی نسبت به وی دیده نشد؛ مگر ابن طاووس که به سبب نقل روایاتی از وی، توثیق او را از اهل سنت گزارش کرده است.^{۲۱}

ابن ندیم تخصص ابوالحسین بن منادی را علوم قرآنی دانسته و می‌نویسد: در علوم گوناگون بیش از ۱۲۰ اثر بر جای گذاشت.^{۲۲} نام کتاب ملاحم در فهرست‌های کهن به چشم نمی‌خورد لیکن کسانی چون ابن طاووس و نباطی صاحب کتاب الصراط المستقیم گویند به کتابی از ابوالحسین ابن منادی در موضوع ملاحم دست یافتیم. ابن منادی دو فصل از کتاب خود را (بیش از ۵۰ صفحه) به موضوع کتاب دانیال اختصاص داده، ابتدا نسبت به اعتبار کتاب دانیال و سپس پیش‌گویی‌های آن درباره نشانه‌های آخرالزمان و مهدی (ع) سخن می‌گوید. اخباری که وی در موضوع اهمیت و اعتبار کتاب دانیال ذکر کرده از صحابه یا تابعین است و در این میان کعب الاحبار جایگاه ویژه‌ای دارد. در منابع دیگر هم وقتی از کتاب دانیال سخن به میان است نام کعب بیش از دیگران به چشم می‌خورد. روشن نیست این همه نام بردن از کعب در این موضوع بر اعتبار کتاب دانیال می‌افزاید یا از آن می‌کاهد، چون کعب الاحبار (نامش کعب بن ماتع، اهل یمن و از قبیله حمیر) در زمان پیامبر موقعیتی نداشت بلکه در عهد خلیفه دوم اسلام آورده به مدینه آمد و در نزد خلیفه دوم جایگاه عظیمی یافت. به گفته ابن ابی الحدید، کعب از امیرمؤمنان (ع) رویگردان بود و آن حضرت او را دروغگو می‌خواند.^{۲۳} کعب الاحبار قرن‌ها مورد وثوق و اطمینان بوده و نقل‌هایش کتاب‌های تفسیری و تاریخی را پر کرده است. اما امروزه اعتبار گفته‌های او حتی نزد عالمان اهل سنت محل تردید واقع شده است. کعب از کسانی است که به وارد کردن اخبار یهود (اسرائیلیات) در اسلام شهرت دارد. نمونه‌ای از این مطلب را طبری در موضوع خلقت

فتشد ریح السموم و یكثر الخسف والزلزل...»

۲. کتابی هم با عنوان ملهمة دانیال^{۲۵} منسوب به علامه مجلسی وجود دارد که سال‌ها قبل توسط کتابفروشی اسلامیة تهران به صورت سنگی چاپ شده است. مطالب این جزوه چیزی جز کتاب تفسیری نیست که از آن نام خواهیم برد. زیرا اولاً علامه مجلسی چنین کتابی نداشته و در بحر یا الذریعة یا کتب دیگر که از ملحه دانیال نام برده شده سخنی از تألیف او نیست. ثانیاً جز در روی جلد از علامه مجلسی نام برده نشده و در اثنای کتاب نام مؤلف وجود ندارد بلکه در حاشیة صفحه نوشته است: «به قولی مؤلف نجیب الدین اصفهانی است». ثالثاً در مقدمه این نسخه همان کلماتی که آقا بزرگ از مقدمه نسخه تفسیری یاد کرده، آمده است.^{۲۶} بررسی بیشتر نشان می‌دهد علت انتساب این کتاب به علامه مجلسی آن است که در یکی از چاپ‌های کتاب اختیارات مجلسی، در موضوع نجوم^{۲۷} کتابی با عنوان «اصول ملحه» در حاشیة آن آمده است و در آخر کتاب از حاشیة به متن منتقل شده و طبعاً بعدها به اعتبار کتاب اختیارات به مرحوم مجلسی نسبت داده شده است. با مراجعه به این نسخه، این نکته هم روشن می‌شود که ملحه دانیال برخلاف تصویری که از نام آن می‌شود در موضوع نجوم است و ارتباطی به پیشگویی یا ملاحم آخرالزمان ندارد.

اعتبار کتاب دانیال

در فهرست‌های کهن نامی از کتاب دانیال به چشم نمی‌خورد. این ندیدم تنها از کتاب دانیالی که جزء تورات است نام برده^{۲۸} و از آنچه منابع اسلامی آن را کتاب دانیال ذکر کرده و از آن روایت می‌کنند نامی نمی‌برد. فهرست نویسان متأخر مانند حاجی خلیفه و آقابزرگ از کتابی با عنوان «ملحه دانیال» نام می‌برند که تألیف کمال‌الدین ابراهیم بن حبیش تفسیری (متوفی ۶۲۹) پزشک و منجم است.^{۲۹} این قدیمی‌ترین کتابی است که به طور مشخص به دانیال نبی نسبت داده می‌شود و مطالب آن درباره نجوم است.

در منابع کهن و معتبر شیعه مانند کتب اربعه یا مؤلفات بزرگان شیعه مانند شیخ مفید، از این کتاب و مطالب آن سخنی به چشم نمی‌خورد و آنچه هست مربوط به سده‌های متأخر است. ابن طاووس (متوفی ۶۶۴) در کشف المحجّة می‌نویسد: به کتاب دانیال دست یافتیم که خلاصه کتاب ملاحم است و آن اکنون نزد ماست.^{۳۰} از عبارت سید روشن می‌شود که کتاب دانیال - دست کم خلاصه‌ای از آن - نزد وی وجود داشته است. افندی صاحب ریاض العلماء در مطالبی که خطاب به استادش علامه مجلسی نوشته و در خاتمه بحر آمده است می‌نویسد: از

جمله کتاب‌هایی که خوب است به بحر الاتوار ملحق شود کتاب ملاحم دانیال است که سید ابن طاووس در کشف المحجّة گفته آن را خلاصه کرده یا در کتابخانه‌اش دارد سپس افندی اضافه می‌کند که این از جمله کتبی است که من برای شما (مجلسی) خریدم.^{۳۱} یا این حال گویا مرحوم مجلسی به این گونه کتب چندین اعتمادی نداشته که از آنها در بحر نقل کرده است. وی پس از نقل روایت مربوط به نجوم که گفته شده امام صادق (ع) از کتاب دانیال نقل نکرده است؛ می‌نویسد: در بعضی از کتاب‌های کهن مطالب و اخباری طولانی در موضوع ملاحم و احکام نجوم یافتیم که به دلیل عدم اعتماد بر اسناد، آنها را نقل نمی‌کنیم؛ هر چند این اخبار از امام صادق (ع) یا دانیال روایت شده است.^{۳۲} آقابزرگ هم به نقل از مجلسی می‌نویسد: کتاب دانیال و امام صادق (ع) مشهور است لیکن من اعتماد چندانی به آن ندارم.^{۳۳}

غالباً هر کتابی پیشینه‌ای دارد که سند اعتبار آن بوده و اهمیت کتاب وابسته به آن سابقه است. اینکه روایتگران آن در طول قرن‌ها چه کسانی بوده‌اند یا نویسندگان، از کجا مطالب آن را نقل کرده‌اند نکاتی مهم درباره یک کتاب یا نوشته است. ابن منادی درباره مصدر خود نسبت به این کتاب می‌نویسد: این کتاب از بزرگان اهل کتاب شنیده شده و ایشان آن را جز به افراد مورد اعتماد نمی‌دادند چون پیشگویی‌های مهمی در آن وجود دارد اما این نویسنده - که گفتیم قدیمی‌ترین راوی تفصیلی اخبار ملاحم از دانیال است - هیچ گونه سند معتبر یا مصدر و پیشینه‌ای برای گفته‌های خود بیان نمی‌کند. مهم‌ترین بخشی که ابن منادی از کتاب دانیال نقل می‌کند روایتی ۳۶ صفحه‌ای است که وی سند آن را این گونه ذکر می‌کند: به من خبر داد ابو سلیمان عبدالله بن جریر جوالبقی و گفت مردی از اهل کتاب که معروف به جمع‌آوری ملاحم است به او خبر داده است.^{۳۴} این تمامی سندی است که ابن منادی درباره خبری مفصل از کتاب دانیال ارائه می‌کند.

هیچ دلیلی بر صحت و استناد کتاب ملحه (یا ملهمة!) دانیال وجود ندارد، بلکه در آن مطالبی آمده که نشان می‌دهد انتساب آن به دانیال نبی درست نیست. در نسخه چاپ نجف به این چند کلمه اکتفا شده که «ملحه دانیال من الکتب الجلیله الصادقه» در پشت برگه اول هم از سید نعمت‌الله جزایری این چنین نقل شده که: این نشانه‌هایی است که خداوند برای پیامبرش دانیال بیان کرده و ما آن را تجربه کرده و درست یافتیم و این خود دلیل بر صحت مطالب آن است. در لابه‌لای کتاب هم تعبیراتی به کار رفته که انتساب آن با چنین اسناد و مدارکی به دانیال (شش قرن پیش از میلاد) کاملاً غیر علمی است.

بنابر آنچه گفته شد مطالبی که ابن منادی در کتاب خود به نقل از

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای اطلاع مفصل از زندگی دانیال نبی و رخدادهای عهد او به کتاب مقدس یا منابع تاریخ اسلام رجوع کنید. دهخدا نیز آگاهی‌هایی سودمند ذیل این نام ارائه کرده است.
۲. در توراته شهرت اصلی دانیال «بلطشصر» عنوان شده است. بنگرید به کتاب دانیال، ج ۴، ص ۱۷؛ البته در همان جا از شخص دیگری نیز با عنوان «بلشصر» نام برده می‌شود که فرزند پادشاه زمان است. همچنین بنگرید به: تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۰۵.
۳. بنگرید به: کتاب دانیال، ج ۱، ص ۱ و مروج الذهب ج ۱، ص ۵۳۹.
۴. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۸۹؛ بعدها این چاه به «چب دانیال» شهرت داشته است. مروج الذهب ج ۱، ص ۲۴۷.
۵. کمال‌الدین، ص ۱۵۷؛ درباره سپردن قضاوت به او، همچنین بنگرید به: تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۴۴.
۶. فتوح البلدان، ص ۳۶۷؛ المصنف عبدالرزاق، ج ۸، ص ۱۱۱؛ البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۸۷.
۷. الفتوح، ج ۲، ص ۲۷۴.
۸. المصنف عبدالرزاق، ج ۸، ص ۱۱۱؛ همچنین بنگرید به: المصنف ابن ابی شیبیه، ج ۸، ص ۳۱.
۹. کشف المحجّة، ص ۶۱؛ و به نقل از آن: بحار، ج ۳۰، ص ۳۹۷.
۱۰. کشف المحجّة، ص ۶۱.
۱۱. برای نمونه بنگرید به: تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۹۶.
۱۲. نحن نقص عليك احسن القصص بما اوحينا اليك هذا القران، و ان كنت من قبله لمن الغفلين (یوسف: ۳)
۱۳. انساب الاشرافه ج ۱۰، ص ۳۷۱؛ المصنف عبدالرزاق، ج ۶، ص ۱۱۴. برخی نهی عمر را در راستای سیاست «حسبنا کتاب الله» دانستند. (الملاحم ابن المنادی، پاورقی ص ۷۵)
۱۴. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۷۷.
۱۵. اخبار النوله العباسیه ص ۱۶۹.
۱۶. بحار، ج ۵۵، ص ۳۳۱ به نقل از قصص الانبياء.
۱۷. برای نمونه بنگرید به: بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۳۱؛ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۸۴.
۱۸. الانساب ج ۵، ص ۳۸۵.
۱۹. تاریخ بغداد ج ۴، ص ۶۹.
۲۰. برای نمونه بنگرید به سیر اعلام النبلاء ج ۱۵، ص ۳۶۱.
۲۱. الاقبال، ج ۳، ص ۳۳۹.

دانیال نبی آورده و آن را وحی الهی معرفی می‌کند؛^{۳۵} علاوه بر نداشتن منبع و سندی قابل اعتنا و اعتماد، مطالبی داستان‌گونه است که گویا قصه‌پردازان قرون اولیه آن را ساخته و پرداخته و نام کتاب دانیال بر آن نهاده‌اند.

چنانکه در رویدادهای تاریخ اسلام می‌خوانیم شخصی ادعای در دست داشتن کتاب دانیال را می‌کرده و می‌گفته است مطالبی از کتاب دانیال به او ارث رسیده است. از این رو با بیان مطالبی جذاب و عوام‌فریب، از مردم به ویژه چهره‌های سیاسی اخاذی می‌کرده است. مورخان می‌نویسند: در بغداد مردی بود که به «دانیالی» شهرت داشت. او مدعی داشتن کتاب‌های قدیمی بود و آنها را به دانیال پیامبر نسبت می‌داد. کارش این بود که کتاب‌هایی شبیه خط کهنه می‌نوشت و در آنها با رموز و اشارات نام افراد را با آنچه به آن امید داشتند می‌آورد و در بین درباریان موقعیتی پیدا کرده بود. این زنجی از او خواست کاری کند که حسین بن قاسم به وزارت برسد. پس دانیالی شکل و شمایل او را در کتابی نوشت و اشاره کرد که اگر او وزیر هجدهمین خلیفه عباسی شود اوضاع آرام خواهد شد. آنگاه کتاب را در گل و لای قرار داد تا آن را کهنه قلمداد کند. وقتی آن نوشته را نزد مقتدر (که هجدهمین خلیفه عباسی بود) بردند گفت این صفات با چه کسی منطبق است؟ گفتند: حسین بن قاسم. او هم باور کرد و حسین را وزارت داد. این زنجی که خود همدست دانیالی است به مهارت او اعتراف کرده می‌گوید: اگر نبود که از حیلۀ او آگاه بودم باور کردنی بود که او از کتب قدیمی نقل می‌کند! پس از آنکه وزارت حسین تثبیت شد دانیال در خواست اجرت کرد و برای او ماهانه ۲۰۰ درهم مقرر شد.^{۳۶}

نتیجه‌مطالب

با توجه به آنچه در منابع متعدد از کتاب دانیال می‌یابیم، نمی‌توان وجود اصل آن را انکار کرد اما اینکه منشأ آن را همان کتاب دانیال موجود در عهد عتیق بدانیم و بگوییم نویسندگان بعدی با الهام از آن، مطالبی را به دانیال نسبت داده و منتشر کرده‌اند؟ یا آن را ساخته قصه‌پردازان مسلمان سده‌های اول اسلامی بدانیم یا داستان را قدری جلوتر برده به جاهلیت و یهود نسبت دهیم؟ به نظر می‌رسد سخن اول پذیرفتنی‌تر باشد یعنی دانیال نبی - صرف نظر از ابهامات شخص و کتاب او در تورات - خصوصیتی در پیشگویی حوادث آینده داشته و این باعث شده است بعد از او هم مطالب مشابه را به او و کتابش نسبت دهند که شاید اشاراتی کوتاه در آن مورد داشته است. اما تفصیل و پردازش‌ها را باید از نویسندگان بعدی دانست.

٢٢. الفهرسته ص ٤١.
٢٣. شرح نهج البلاغه ج ٤، ص ٧٧، درباره ابوذر به كعب و نيز بنگريد به: ج ٣، ص ٥٤.
٢٤. تاريخ الطبري، ج ١، ص ٤٤ و ٥١.
٢٥. مشخصات چاپ چنين است: سنگي، ٥٢ صفحه، تهران، كتاب فروشي اسلاميه. ضمناً ملحمة درست است ليكن بر روي اين كتاب و داخل آن ملهمة آمده است.
٢٦. بنگريد به: الذريعة ج ٢٢، ص ٢٠١.
٢٧. اين كتاب به صورت سنگي در سال ١٣٥٧ قمری چاپ شده است.
٢٨. الفهرسته ص ٢٥.
٢٩. كشف الظنون، ج ٢، ص ١٨١٨، ١٣٨٠: الذريعة ج ٢، ص ٢٠١ و ٢١٢.
٣٠. كشف المحججه، ص ١٦؛ همچنين بنگريد به بحار، ج ٣٠، ص ٣٩٧.
٣١. بحار، ج ١٠٧ يا ١١٠، ص ١٧٢؛ همچنين بنگريد به: الذريعة، ج ٢٢، ص ١٨٨.
٣٢. بحار، ج ٥٥، ص ٣٣١.
٣٣. الذريعة، ج ٢٢، ص ٢٠٢.
٣٤. الملاحم ابن المنادي، ص ٧٦: اخبرني ابوسليمان عبدالله بن جرير الجواليقي قال اخبرني رجل من اهل الكتاب موصوف بجمع الملاحم
٣٥. الملاحم، ص ١١٠... قال دانيال: الى هذا القول انتهى وحي الله تعالى.
٣٦. تاريخ طبري، ج ١١، ص ٢٦٦: الكامل، ج ٩، ص ٣٣٠.
- فهرست منابع**
- قرآن كريم؛**
كتاب مقدس؛
- اخبار الدوله العباسيه مؤلف مجهول قرن سوم؛ تحقيق عبدالعزيز الدوري و عبدالجبار المطلبي بيروت: دارالطليعه، ١٣٩١ ق؛
الاقبال؛
- انساب الاشرافه احمد بن يحيى البلاذري (م ٢٧٩)، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ ق؛
بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسي، بيروت: داراحياء التراث العربي، ١٤٠٣ ق؛
- البدء والتاريخ مطهر بن طاهر المقدسي؛ بيروت: دار صادر، ١٩٠٣ م؛
تاريخ طبري (تاريخ الامم والملوك) محمد بن جرير طبري (م ٣١٠)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم؛ بيروت: دارالتراث العربي، بي تا؛
تاريخ بغداد احمد بن علي خطيب بغدادي، (م ٤٦٢)، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطاء، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٧: الخرائج والجرائح؛
الذريعة الى تصانيف الشيعة آقا بزرگ تهراني (م ١٣٨٩)، بيروت، دارالاضواء، ١٤٠٣؛
سير اعلام النبلاء محمد بن احمد ذهبي (م ٧٤٨)، تحقيق شعيب الارناؤوط، مؤسسه الرساله، ١٤١٣؛
شرح نهج البلاغه، عبدالحميد ابن ابي الحديد (م ٤٥٦)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دار احياء الكتب العربيه، ١٣٧٨؛
فتح الباري بشرح صحيح البخاري، احمد بن علي العسقلاني (م ٨٥٢)؛ تحقيق بن باز، بيروت: دارالفكر، ١٤١١ ق؛
الفتوح احمد بن اعثم، (م ٣١٤)، تحقيق علي شيري، بيروت، دارالاضواء، ١٤١١؛
فتوح البلدان، احمد بن يحيى بلاذري (م ٢٧٩)، قاهره، مكتبه لجنة البيان العربي، ١٣٧٩؛
ابن نديم، محمد بن اسحاق (م ٣٨٥)، الفهرسته تحقيق رضا تجدد؛
الكامل؛
كشف الظنون عن اسامي الكتب والفنون، مصطفى بن عبدالله حاجي خليفه (م ١٠٦٧)، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٣؛
كشف المحججه؛
كمال الدين و تمام النعمة، ابو جعفر محمد بن علي ابن بابويه (شيخ صدوق، م ٣٨١) تحقيق علي اكبر غفاري قم: جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ١٤٢٢ ق؛
مروج الذهب و معادن الجوهر، علي بن الحسين المسعودي؛ تحقيق محمد محيي الدين؛ بيروت: دارالفكر ١٤٠٩؛
المصنفه ابن ابي شيبه (م ٢٣٥)، تحقيق سعيد محمد لحام، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩؛
المصنفه عبدالرزاق بن همام صنعاني (م ٢١١)؛ تحقيق اعظمي؛ بيروت: منشورات المجلس العلمي، ١٣٩٢ ق؛
الملاحم، ابن المنادي احمد بن جعفر، تحقيق العقيلي قم: دارالسيره، ١٤١٨ ق؛
و...

